موضوع: مراجعه 48 ، بررسی حدیث 36

حدیث 37 از مراجعه 48

موضوع بحث بررسی حدیث 37 از مراجعه 48 کتاب المراجعات است. در این روایت از رسول اکرم (ص) روایت شده که فرمود: «الصديقون ثلاثة: حبيب النجار، مؤمن آل ياسين، قال: يا قوم اتبعوا المرسلين، و حزقيل، مؤمن آل فرعون، قال: أ تقتلون رجلا أن يقول ربي اللّه، و علي ابن أبي طالب، و هو أفضلهم»[[1]](#footnote-1): راستگویان ممتاز سه نفر بودند: اول حبیب نجار، مومن آل یاسین است کسی که قرآن می فرماید او به قوم خود گفت: ای قوم، فرستادگان را پیروی کنید. دوم مومن آل فرعون بود که به قوم خود فرمود: آیا شما تصمیم به کشتن مردی را دارید (یعنی حضرت موسی (ع)) که می گوید پروردگارم الله است. سوم، علی بن ابی طالب (ع) است که برترین آنها است.

امام شرف الدین در پاروقی گفته است: این حدیث را ابونعیم و ابن عساکر از ابی لیلی و ابن نجار از ابن عباس نقل کرده اند. و مرفوعه بود یعنی به کلام پیامبر اکرم (ص) می رسد. ابن حجر نیز در الصواعق المحرقه آن را نقل کرده است. ایشان در مراجعه شماره 12 نیز این حدیث را نقل کرده اند و در آنجا اهل بیت (ع) را مصداق صدیقین و صالحین در این آیه دانسته است: «وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِكَ مَعَ الَّذينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحينَ وَ حَسُنَ أُولئِكَ رَفيقاً».[[2]](#footnote-2) و بعد در پاورقی دو حدیث را نقل کرده که یکی حدیث ابن نجار از ابن عباس است که در کتاب صواعق المحرقه نقل شده است و دیگری حدیث ابن عساکر است.

امام شرف الدین در مراجعه 12 می گوید: صحاح در اینکه امیرالمومنین (ع) در ایمان به پیامبر (ص) سبقت گرفته و ایشان صدیق اکبر و فاروق اعظم است متواتر است.[[3]](#footnote-3)

معنای لغوی و اصطلاحی صدیق

در این روایت کلمه «صدیق» به کار رفته که مبالغه در صدق است، یعنی بسیار راستگو. صدق مقابل کذب است و در اصل مربوط به قول است چه مربوط به گذشته باشد و چه حال و آینده، و چه به صورت وعده باشد و چه غیر وعده. و در قول هم مخصوص خبر است و بالعرض در غیر آن بکار می رود. مثلا اگر فردی سوال کند «آیا زید در خانه است یا نه؟» لازمه اش این است که وی به این خبر آگاهی ندارد و یا فردی که به دیگری می گوید «مرا اذیت نکن»، به این معنا است که او وی را اذیت می کند.

در صدق، دو گونه مطابقت شرط است: مطابقت با اعتقاد (صدق مخبری) و مطابقت با مخبرعنه (صدق خبری). اگر یکی از این دو شرط تحقق نداشته باشد آن خبر به صدق توثیق نمی شود و یا از یک جهت صدق و از جهت دیگر کذب است، مثلا اگر کسی که کافر است بگوید: محمد (ص) رسول خدا است. این سخن از جهت اعتقاد او کذب است اما از جهت واقع صدق است. و یا خدای متعال منافقانی که به رسالت پیامبر (ص) شهادت می دادند را کاذب دانسته است: «إِذا جاءَكَ الْمُنافِقُونَ قالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَ اللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنافِقينَ لَكاذِبُون‏».[[4]](#footnote-4)

این روایت بر افضلیت امیرالمومنین (ع) بر سایر صحابه دلالت می کند و جایگاه ممتاز وی را به عنوان کسی که در صدق برتری دارد نشان می دهد. با توجه به اینکه افضلیت از شرایط امامت است، امامت آن حضرت نیز با این روایت ثابت می شود علاوه بر اینکه این حدیث شریف با در نظر گرفته آیه 69 سوره نساء، بر عصمت صدیقین دلالت دارد و از این زاویه هم دلالت بر امامت آن حضرت می کند زیرا عصمت نیز از شرایط امامت است.

ویژگی های صدیق

در مورد اینکه صدیق به چه کسی گفته می شود و چه ویژگی های دارد اقوالی نقل شده است:

1. یک قول این است که صدیق کسی که همه آنچه پیامبران آورده اند را بدون شک و تردید تصدیق می کند. دلیل آن هم این آیه شریفه است[[5]](#footnote-5): « وَ الَّذينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُون‏».[[6]](#footnote-6)

2. صدیق کسی است که بر تصدیق به حق مداوت دارد.[[7]](#footnote-7)

3. صدیق کسی است که به کامل ترین وجه حق را تصدیق کرده و در راستگویی قول و فعل سنگ تمام گذاشته است.[[8]](#footnote-8)

4. صدیق کسی است که در افعال و گفتارش صادق است.[[9]](#footnote-9)

5. صدیق کسی است که در تصدیق به پیامبر (ص) بر دیگران سبقت گرفته و اسوه دیگران می باشد.[[10]](#footnote-10)

6. افضل صحابه را صدیق گویند.[[11]](#footnote-11)

راغب اصفهانی درباره کلمه صدیق گفته است: کسی را صدیق گویند که بسیار راستگو است و هرگز دروغ نمی گوید و عملش با قول و عقیده اش مطابقت دارد.[[12]](#footnote-12)

در ارزیابی این اقوال می گوییم: در آیه شریفه صدقین بر نبیین عطف شده است «مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقينَ». پیامبران از ویژگی عصمت برخوردار بودند یعنی دارای صدق در گفتار و رفتار و عقیده به صورت کامل بودند. بر این اساس دیدگاه سوم با این مطلب هماهنگی دارد. دیدگاه دوم هم قابل انطباق است (تصدیق مداوم در همه حوزه ها هم ملازم با عصمت است). با دیدگاه چهارم نیز هماهنگ است. اما دیدگاه ششم نه شاهدی از قرآن و نه سنت دارد. دیدگاه پنجم هم با حدیث مورد بحث قابل انطباق است و بیانگر کامل ترین مصداق آن است. دیدگاه اول هم با اینکه شاهد قرآنی دارد اما صدیقین در این آیه با آیه 69 سوره نساء تفاوت می کند. آنچه در سوره حدید آمده است عمومیت دارد. در حقیقت صدیق، دو کاربرد دارد: کاربرد عام و کاربرد خاص. در آیه سوره حدید همه مومنان را شامل می شود و قرینه ای بر اینکه عده ای خاص مورد نظر باشد وجود ندارد. اما صدیقین در سوره نساء خاص است و مربوط به معصومین است. شاهد آن اینکه برخی انبیاء الهی در قرآن به وصف صدیق توصیف شده اند: « وَ اذْكُرْ فِي الْكِتابِ إِبْراهيمَ إِنَّهُ كانَ صِدِّيقاً نَبِيًّا »[[13]](#footnote-13) و « وَ اذْكُرْ فِي الْكِتابِ إِدْريسَ إِنَّهُ كانَ صِدِّيقاً نَبِيًّا »[[14]](#footnote-14). « يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ »[[15]](#footnote-15) و این نشان می دهد که یک کاربرد صدیق در قرآن به معنای عصمت است.

در آیه شریفه « مَا الْمَسيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَ أُمُّهُ صِدِّيقَةٌ »[[16]](#footnote-16) نیز صدیق در مورد حضرت مریم (س) به کار رفته که از ویژگی عصمت برخوردار بود.

معنای صادقین در آیه صادقین

نکته دیگر اینکه در آیه شریفه سوره نساء کلمه صدیقین و سوره توبه کلمه صادقین آمده است «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقين‏»[[17]](#footnote-17)در مورد اینکه این آیه چگونه دلالت بر عصمت می کند تقریر های مختلفی آمده است:

1. یک تقریر این است که منظور از بودن با صدیقین، پیروی از آنان است و چون به صورت مطلق امر شده دلالت بر عصمت آنان می کند، زیرا اگر معصوم نباشند ممکن است عمدا یا سهوا خطایی کنند و اینگونه پیروی از آنان مجاز نباشد. این تقریر را شیخ مفید، ابوالصلاح حلی، علامه مجلسی و مرحوم مظفر بیان کرده اند.[[18]](#footnote-18)

2. تقریر دیگر این است معنای آیه این است که با کسانی که معلوم است از صادقین هستند همراه باشید. راه علم پیدا کردن صدق در همه زمینه ها تنها با عصمت ممکن است و الا احتمال صادق نبودن در حوزه ای وجود دارد.

3. فخرالدین رازی می گوید: صدر آیه مومنین را امر به تقواپیشگی می کند. و این بدان معنا استکه آنان مصون از خطا نیستند و لذا امر به تقوا شده اند. حال اگر کسی بخواهد مسیر تقوا را طی کند باید پیرو کسانی شود که مصون از خطا هستند و تقوا به صورت بالفعل در آنها محقق است. پس صادقین در آیه به معنای کسانی است که از عصمت برخوردار هستند. [[19]](#footnote-19)

بنابراین کسی که در دنیا با صادیق همراه باشد، مستلزم با بودن آنها در آخرت خواهد بود که در آیه مورد بحث (69 سوره نساء) بیان شده است.

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المراجعات، علامه شرف الدین، ص 345 [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره نسا، آیه 69 [↑](#footnote-ref-2)
3. المراجعات، علامه شرف الدین، ص 118 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره منافقون، آیه 1 [↑](#footnote-ref-4)
5. مجمع البیان، ج3-4، ص 72 ؛ مفاتیح الغیب، ج10، ص 172 [↑](#footnote-ref-5)
6. سوره حدید، آیه 19 [↑](#footnote-ref-6)
7. التبیان، ج3، ص 250 [↑](#footnote-ref-7)
8. المنار، ج5، ص 244 [↑](#footnote-ref-8)
9. تفسیر صافی، ج2، ص 266 [↑](#footnote-ref-9)
10. مفاتیح الغیب، ج10، ص 173 [↑](#footnote-ref-10)
11. الکشاف، ج1، ص 52 ؛ مفاتیح الغیب، ج10، ص 172 [↑](#footnote-ref-11)
12. المفردات، ص 277 [↑](#footnote-ref-12)
13. سوره مریم، آیه 41 [↑](#footnote-ref-13)
14. سوره مریم، آیه 56 [↑](#footnote-ref-14)
15. سوره یوسف، آیه 46 [↑](#footnote-ref-15)
16. سوره ماهدا، آیه 75 [↑](#footnote-ref-16)
17. سوره توبه، آیه 119 [↑](#footnote-ref-17)
18. الفصول المختاره، ص 138 ؛ ابوالصلاح حلی، تقریب المعارف، ص 124 ؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج24، ص 33 ؛ مرحوم مظفر، دلائل الصدق، ج2، ص 215 [↑](#footnote-ref-18)
19. مفاتیح الغیب، ج16، ص 221 [↑](#footnote-ref-19)